

حشم انداز

مترجم: تهمینه مولانا



مجموع، بخش های دولتی و خصوصی در امریکای لاتین حدود ۳۲۰ میلیارد دلار یا معادل ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی راقرض گرفته اند، حال آن که همین بخش ها در اروپای نوظهور حدود ۴۰۰ میلیارد دلار یا معادل ۱ درصد از تولید ناخالص داخلی را بدهکار می باشد.

بانک های اسپانیایی مالک بیش از ۲۵ درصد از سرمایه بانکی در مکزیک، شیلی و پرو می باشد. بانک های پرتغال نیز در کشورهای آفریقایی نظیر آنگولا و موزامبیک حائز اهمیت هستند. علاوه بر بانکداری، جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی هم می تواند در این اثناء تحت تاثیر قرار بگیرد، در امریکای لاتین و مثلاً در برزیل ۱۲ درصد از جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۹ از کشورهای اسپانیا و پرتغال تامین شده بود.

بانک ها در اتحادیه اروپا ملزم به جمع آوری مجدد سرمایه هستند، از آنجائیکه احتمال کم شدن جریان های سرمایه در مناطق در حال توسعه ی همچنان برقوت خود باقی است، بالطبع زمینه برای کاهش تقاضای داخلی، به ویژه میان آندسته از کشورها که همواره نیازمند تامین سرمایه از خارج بوده اند، رو به فزونی می رود.

1-Foreign Direct Investment

◀ ژرفا و بقای بحران در اروپا و آسیای مرکزی همچنان منبع

نگرانی

تداوم و گستره ی بحران اقتصادی موضوعات بفرنجی را، به ویژه برای کشورهای مناطق اروپا و آسیای مرکزی به دنبال دارد. رکود فرسایشی که بر موسسات سایه افکنده، احتمال مواجهه ی آنها را با معضل باز پرداخت وام ها و تعهدات مالی افزایش می دهد و بر شمار وام های غیر اجرایی افزوده می گردد. تزلزل بخش بانکداری در چندین کشوری که در تعامل وسیع با بانک های یونان هستند برجسته تر گردیده است. با جدی تر شدن مشکلات یونان، این بانک ها

◀ فشار بالقوه بحران بدهی اروپا بر کشورهای در حال توسعه

گرچه حل تدریجی معضلات مالی در اروپا سناریوی محتمل به نظر می رسد، از لزوم اعمال یک سری تعدیلات گریزی نخواهد بود، و این موضوع می تواند عواقب جدی برای کشورهای در حال توسعه به همراه داشته باشد. لیکن چنانچه اصلاحات و تعدیلاتی نیز در پیش رو نبود، کشورهای مناطق در حال توسعه، با تجارت و ارتباطات مالی نزدیک به این کشورهای هر چند پردرآمد ولی به شدت مقروض، باید در انتظار تبعاتی باشند.

در مناطق خاورمیانه و آفریقای شمالی، اروپا و آسیای مرکزی که نزدیکترین ارتباط تجاری را با این کشورهای پردرآمد ولی مقروض اروپایی (EU-5) دارند، احتمال وقوع یک انقباض مالی شدید وجود دارد.

این تغییرات اقتصاد، بیش از ۲۰ درصد از صادرات کشورهای نظیر آلبانی، آذربایجان، کامرون، کیپ ورد، موروکو، تونس، و نامیبیا را تحت تاثیر قرار می دهد. میزان خسارت وارده به این کشورهای در حال توسعه، بستگی به وسعت انقباض مالی مذکور، و میزان توفیق آنها در انتقال فروش هایشان به سایر بازارها دارد.

طبق برنامه ی یکپارچه سازی مالی صندوق بین المللی پول، که باید بین سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ تکمیل شود، کشورهای اتحادیه ملزم به کاهش قروضشان تا حدی هستند که تولید ناخالص داخلی به ۶۰ درصد برسد. چنین تقلیل های بزرگی در هزینه ها مسبوق به سابقه است ولی رسیدن به آنها نیازمند تدابیر سیاسی می باشد.

همچنین آندسته از کشورها در معرض ریسک هستند که از لحاظ بخش های مالی به کشورهای بسیار مقروض اروپایی پیوند دارند. آلبانی، بلغارستان، رومانی و صربستان از جمله اقتصادهایی هستند که در گذشته از جریان های گزاف سرمایه موسسات مالی یونان بهره برده اند. همینطور بانک های شاخصی در کشورهای پرتغال و اسپانیا منبع تامین مالی در امریکای لاتین می باشند. در

اقتصاد جهانی

منبع: web.worldbank.org

شدن آن هنوز منتفی نگردیده است . هرچند ، اکنون تقویت روزافزون سرمایه کشورهای در حال توسعه امری محرز محسوب می گردد ، ولی بعید نیست بسط بحران اقتصادی یونان و تسری آن به دیگر اقتصادهای پردرآمد اروپا - که قطعاً با مشکلات مالی جدی مواجه هستند - ، به مختل کردن وضعیت اقتصادی کشورهای در حال توسعه از لحاظ صادرات و رشد ناخالص داخلی بیانجامد .

در صورتیکه بازارها اعتماد خود را نسبت به اعتبار سیاست های اتخاذ شده در راستای یک مسیر پایدار اقتصادی از دست بدهند ، آنگاه زمینه ی آسیب به روند رشد جهانی و بروز یک رکود مضاعف فراهم خواهد گشت . کلی تر اینکه، برای تضمین پایداری بلند مدت شرایط عمومی اقتصاد در بسیاری کشورهای پر درآمد ، یکپارچگی و تحکیم مالی الزامی است . اگر دوران بدهکاری کشورهای پردرآمد همچنان طولانی گردد ، کشورهای در حال توسعه متحمل هزینه های بالاتری برای استقراری می شوند که به این ترتیب کاهش سرمایه و افول روند رشد و نهایتاً فقر را در پی خواهد آورد .

تا امروز به چالش های مالی در بیش روی کشورهای در حال توسعه کمتر توجه شده و این در حالی است که اگر درگیر رکود کشورهای پردرآمد و مقروض گردند به طوری که جریان های حمایتی این کشورها به مخاطره بیافتد ، آنگاه در سرمایه گذاری و چشم انداز های بلند مدت اقتصادی عواقب جدی برای این مناطق پیش بینی می شود .

سیاست های پولی ناکارآمد در کشورهای پردرآمد ، چالش هایی را مقابل کشورهای در حال توسعه می گذارد و این موضوع زمانی بغرنج می شود که مناطق مذکور در جهت تحکیم سیاست های خودشان حرکت می نمایند . بالا رفتن تفاضل های نرخ بهره می تواند محرک جریان های قابل توجه سرمایه باشد که ممکن است جهت خلق برخی دارایی های ناپایدار کفایت کند ، یعنی ؛ مشابه همان شرایطی است که بحران قبلی را پدید آورده بود .

یا فعالیتشان را قطع می نمایند و یا سرمایه را از شرکت های تابعه خارج می کنند که همین مسئله می تواند منشاء خسارات غیر مستقیمی برای کشورهای منطقه باشد . توجه به این نکته ضروری است که ، بسیاری شرکت های منطقه وام های سنگینی در دوران توسعه ی سریع دریافت کرده اند . شرکت های خصوصی در منطقه، طی ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۸ ، حدود ۴۱۸ میلیارد دلار قرض گرفته اند ، که احتمالاً تا پایان ۲۰۱۰ ملزم به بازپرداخت ۱۳۳ میلیارد دلار از آن می باشند . هرچه شرایط اقتصادی در جهان دچار کساد می شود ، نرخ گردش مالی رو به تنزل می گذارد و بالطبع موجب می گردد تا موسسات خصوصی مستقر در منطقه قادر به پرداخت بدهی ها در موعد مقرر نباشند ، در این حالت ، این شرکت ها بالقوه در ورشکستگی قرار گرفته و فشار بر بانک های منطقه ای دو چندان خواهد شد .

1-non-performing loans:

وام هایی که در بازپرداخت آنها ۳ ماه یا بیشتر تاخیر ایجاد شده است.

ملاحظات نهایی

در حال حاضر آمار و ارقام اقتصادی، پیرامون روند بهبودی، در مقاطع ماهیانه، چندان مطلوب به نظر نمی رسد لیکن به اعتقاد کارشناسان ، نرخ رشد سالانه به ویژه در میان کشورهای در حال توسعه همچنان تقویت می گردد. کشورهای در حال توسعه از سهم فزاینده ای در رشد جهانی اقتصاد برخوردارند و انتظار می رود این سهم طی سال ها و البته ماه های آتی استمرار نیز داشته باشد. هنوز دورنمای شفاف از وضعیت اقتصاد در دست نیست اما بی تردید چالش های قابل توجهی در مسیر احیای شرایط اقتصادی قرار دارد .

در این اثناء ، مسئله ی حائز اهمیت یونان و سایر کشورهای به شدت مقروض به شمار می رود، که علی رغم تلاش ها و تدابیر اعمال شده ، احتمال گسترده تر